

جستاری در رویکردهای اجتماعی سیدبن طاووس در کتاب تتمات مصباح



مهدی اصلانی^{۱*}، محمدعلی مهدوی‌راد^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2024.28725.1045 

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

چکیده

مقاله حاضر به بررسی رویکردهای سیدبن طاووس به‌عنوان شخصیتی اثرگذار در گسترش و تعمیق فرهنگ دعا در مکتب تشیع در تألیف اثر مهم دعایی خود «تتمات مصباح‌المتهدجد» می‌پردازد. رویکردهایی که علاوه بر شخصیت علمی، معنوی و عرفانی ابن طاووس، از جنبه‌های دیگری چون زمان‌شناسی، بصیرت دینی، کنش‌گری اجتماعی-سیاسی به‌جای انزوای اجتماعی و کناره‌گیری از سیاست و جامعه‌گزینی بجای جامعه‌گریزی در شخصیت وی نشأت گرفته است. انتخاب این موضوع به این جهت است که حیات ابن طاووس در یکی از مقاطع بسیار حساس تاریخ اسلام - یعنی مقطع سقوط سلسله بنی‌عباس توسط مغولان - قرار داشت و موضع‌گیری و کنش سیاسی و اجتماعی او، نقش مهم و مؤثری در آن مقطع و زمان‌های بعد ایفا کرد و در آن شرایط، نقطه عطفی در حیات مکتب تشیع بود. اما، با این حال در برخی از اظهارنظرها به این عالم فرهیخته، نسبت‌هایی از قبیل انزوای اجتماعی، بی‌توجهی به رسالت الهی عالمان ربانی در قبال جامعه و حتی گرایش به تصوف داده شده است که باید این نسبت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. از این رو مسئله‌ی محوری این پژوهش، بررسی رویکردهای اجتماعی و سیاسی او در تألیف اثر دعایی و هم‌چنین، نقد نسبت‌هایی است که به وی داده شده است.

کلید واژه‌ها: ابن طاووس، تتمات مصباح‌المتهدجد، دعا، ادعیه مأثوره، امام سجاده (ع)

۱- دانشجوی دکتری مدرسی معارف، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران (نویسنده مسئول) * mahdiaslani710@gmail.com

۲- استاد علوم، قرآن و حدیث دانشگاه تهران (پردیس قم).

مقدمه

وفور ادعیه مأثور از ناحیه حضرات معصومین(ع) و اهتمام عالمان شیعه در طول تاریخ به امر تدوین و تألیف آثار دعایی متکثر و متنوع، خود گواه جایگاه بسیار مهم دعا و ارتباط قلبی با خدای متعال در فرهنگ اسلامی است. در بین عالمان ادعیه‌نگار، سیدبن طاووس(۵۸۹-۶۶۴ ه.ق) و اثر جامع دعایی‌اش «تمتات مصباح‌المتهدد» از برجستگی ویژه‌ای برخوردار است که به دلیل شخصیت وی و هم‌چنین، پیچیدگی‌های دوران حیات وی (قرن هفتم هجری)، شخصیت بزرگ و محوری وی، چندان که سزاوار است، به‌طور جامع شناخته نشده است تا آنجا که، برخی وی را «دانشمندی گوشه‌گیر، در انزوا، به‌دور از سیاست و اجتماع و تجسم جریان تسلیم و سکوت شیعه که زندگی بی‌حادثه و انزواگرایانه‌ای داشته است، معرفی کرده‌اند» (نک: گلبرگ: ۱۳۷۱: ۴۰ و صادقی کاشانی، ۱۳۹۴: ۲۵) و حتی وی را به جریان متصوفه منتسب نموده‌اند (نک: تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۵/۵۷).

در حالی که، سیره عمومی علمای شیعه گویای دغدغه‌مندی و حساسیت ایشان نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی عصرشان بوده است. عالمان شیعی به‌ویژه علمای طراز اول این مکتب، مبتنی بر تعالیم تقلین، معتقدند آنچه را از انبیاء و ائمه(ع) گرفته‌اند، باید بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی برای مردم بیان کنند. به دیگر سخن، همه اموری که بر عهده رهبران الهی اعم از پیامبران و امامان(ع) بوده است، اکنون وظیفه ایشان به‌شمار می‌آید. به‌همین جهت، عالمان فرهیخته‌ای همچون سیدبن طاووس، همواره در متن جامعه حضور داشتند و با رصد مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه‌ی زمان خود، نسبت به مسائل و پیشامدهای آن احساس مسئولیت داشتند و برای مسائل اجتماعی و سیاسی عصر خود چاره‌اندیشی می‌کردند (نک: عبدالهی، ۱۳۸۵: ۴۳-۴۶).

در خصوص پیشینه‌شناسی این موضوع پژوهشی، مقالاتی در خصوص بررسی ابعاد شخصیت ابن طاووس نگارش یافته است. به‌عنوان نمونه، مقاله «نقش سید بن طاووس در رشد فرهنگی و اجتماعی شیعیان» در صدد بیان نقش ابن طاووس، در رشد فرهنگی و اجتماعی شیعیان در مقطع تاریخی خود است و برای اثبات این مطلب به موارد متعددی از کنش‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی سید از قبیل تألیف و تدوین کتب در موضوعات مختلف علمی، ترویج و تبلیغ مناقب اهل بیت(ع) و اهتمام به مقتل‌خوانی، برگزاری مجالس و محافل بحث و مناظره با سران سایر مذاهب و فرقه‌های غیر هم‌مسلك، تبیین و ترویج اندیشه مهدویت، همکاری نسبی با حکومت ایلخانان مبتنی بر نظریه سیاسی اسلام، اهتمام به ادعیه‌نگاری

و تلاش برای نهادینه شدن بیشتر فرهنگ دعا در جامعه و... اشاره نموده است.

مقاله «نقش سید بن طاووس در گسترش و تعمیق ادبیات دعایی تشیع» نیز نشان می‌دهد فضای فکری حاکم بر دوره ایلخانان و تلاش در جهت بازشناسی ادعیه شیعه، از دلایل مهم توجه سید ابن طاووس به نگارش و تدوین ادبیات دعایی است. لذا سید با هدف گردآوری، بازشناسی، مستندسازی، سامان‌دهی، مکتوب‌سازی و نشر ادعیه توانست نقش قابل توجهی را در حوزه ادبیات دعایی شیعه ایفا نماید.

هم‌چنین، مقاله «اندیشه‌های حدیثی سید بن طاووس» با جست‌وجو در آثار حدیثی او، مهم‌ترین اندیشه‌های وی، همچون نحوه تعامل او با حدیث، عقل‌گرایی یا اخباری‌گری، مباحث فقه‌الحدیثی، مباحث رجالی، طرق نقل حدیث، تأویل در روایات و... بررسی شده است.

از این رو، آنچه در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است، رویکرد تکمیلی و پرداختن به مسائلی است که در مقالات فوق‌بدان پرداخته نشده است. این پژوهش با روش تحلیلی، سیره دعانگاری و ابعاد اجتماعی و سیاسی نسبتاً مغفول اقدام وی در نگارش اثر مهم دعایی اش - یعنی کتاب تتمات مصباح المتهجد که می‌توان آن را به مثابه معجم دعایی شیعه قلمداد نمود-، نقش زمان‌شناسی تطبیقی وی در این ابعاد، هم‌چنین، نقد و بررسی نسبت‌هایی که در عرصه کنش‌گری‌های اجتماعی و سیاسی به وی داده شده است و... مورد بررسی قرار داده است.

۱. ابن طاووس، ادعیه‌نگار شاخص مکتب تشیع

ابن طاووس را باید چهره‌ای ممتاز و ماندگار در ادبیات ادعیه‌نگاری مکتب تشیع دانست (نک: احمدی، ۱۳۸۹: ۵۰۱). مؤلفان آثار دعایی دوره‌های بعد، تألیفات خود را تنها به عنوان تسمه‌ای بر آثار ابن طاووس نگاشته‌اند، و از سوی دیگر، در نگارش آثار خود از سبک تألیفی کتاب‌های وی تقلید کرده‌اند (نک: تهرانی، ۱۴۰۳: ۸ / ۱۴۶؛ گلبرگ: ۱۳۷۱: ۵۷).

۱-۱. تتمات مصباح المتهجد، به مثابه معجم دعایی شیعه

دلیل اصلی این‌که سید را باید از شخصیت‌های محوری و اثرگذار در گسترش و تعمیق فرهنگ دعا در مکتب تشیع بدانیم، اقدام وی در تألیف کتاب تتمات مصباح المتهجد است.

شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ه.ق) - جلد مادری ابن طاووس - کتاب مهمی در موضوع ادعیه با عنوان «مصباح المتهجد و سلاح المتعبد» نوشت. این کتاب از زمان نگارش تا کنون، همواره نزد عالمان شیعه در همه زمان‌ها از کتاب‌های حدیثی معتبر به‌شمار آمده است و از این رو، دانشمندان و شخصیت‌های مهمی مانند ابن طاووس، کفعمی عاملی، علامه حلی، ابن‌مشهدی، علامه مجلسی، شیخ عباس قمی و...

در آثار خود از این اثر استفاده کرده‌اند. این توجه و اقبال، مربوط به اعصار پس از شیخ طوسی نبود و در زمان خود شیخ الطائفة هم کتاب مصباح المتهجد مورد استقبال جامعه قرار گرفت؛ به همین جهت شیخ برای استفاده بهتر، بیشتر و آسان‌تر عموم، اقدام به تألیف خلاصه‌ای از آن با عنوان «مصباح المتهجد صغیر» کرد.

یکی از مهم‌ترین دلایل اعتبار و ارزشمندی این اثر دعایی، آن بود که مؤلف آن با ورود به مرکز علم آن روز یعنی شهر بغداد در سال ۴۰۸ قمری، با بهره‌گیری از کتابخانه «شاپور»، که بعدها در آتش سوخت و هم‌چنین کتابخانه استادش، سید مرتضی علم‌الهدی، به تألیف آثار ارزشمند خود اهتمام ورزید و کتاب‌های جمله تهذیب الأحکام و استبصار و نیز مصباح المتهجد را در آن برهه نگاشت (نک: طوسی، ۱۴۱۱: ۱/۳-۱).

تقریباً دو قرن بعد ابن‌طاووس برای تکمیل این کتاب، کتابی بسیار مفصل و در واقع، هشت کتاب با عنوان «مهمات فی صلاح المتعبد و تتمات لمصباح المتهجد» نوشت. او در مقدمه کتاب فلاح السائل که کتاب اول از این تتمات هشتگانه است اسامی این هشت عنوان را آورده است (ابن‌طاووس، ۱۴۰۶: ۷-۹). این عناوین عبارت‌اند از:

۱. «فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل یومه و ليله».
۲. «زهرة الزیبع فی أدعية الأسابیع».
۳. «جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع».
۴. «الدروع الواقية من الأخطار فیما یعمل مثله کل شهر علی التکرار».
۵. «المضمار للسباق و اللحاق بصوم شهر اطلاق الأرزاق و عناق الأعناق».
۶. «السائل المحتاج إلی معرفة مناسک الحجج».
۷. «الإقبال بالأعمال الحسنة فیما نذکره مما یعمل میقاتاً واحداً کل سنة».
۸. «السعادات بالعبادات التي لیس لها وقت محتوم معلوم فی الروایات، بل وقتها بحسب الحادثات المقترضة و الإيرادات المتعلقة بها» (ابن‌طاووس، ۱۴۱۲: ۳۴).

سید نزدیک به ۳۰ سال از عمر خود را از سال ۶۳۵ ه. ق، سال آغاز نگارش تتمات مصباح المتهجد تا سال ۶۶۴ ه. ق، سال وفات او به تألیف این اثر اختصاص داد (باقری، ۱۳۸۶: ۸۲)؛ یعنی، تقریباً ۴۰٪ از عمر ۷۵ ساله‌ی وی. امروزه هر یک از این عناوین هشتگانه که سید در قالب ۱۰ مجلد آورده بود، به‌طور مستقل چاپ شده است و شاید یکی از کاستی‌های تراث علمی و معنوی گران‌سنگ مکتب تشیع، خلأ انتشار

جامع تتمات مصباح المتهجد به عنوان یک معجم دعایی و یک منظومه معنوی باشد. با این وصف و هم چنین تقدم نسبی زمان نگارش این مجموعه دعایی، می توان گفت که این اثر ابن طاووس (تتمات مصباح المتهجد) اثر دعایی محور در مکتب شیعه قلمداد می شود.

۲. رویکردهای ابن طاووس در تألیف تتمات مصباح المتهجد

۲-۱. رویکرد علمی و معنوی ابن طاووس

کثرت تألیفات در زمینه های مختلف کلامی، فقهی، تاریخی، اخلاقی، عرفانی و... توجه و اعتناء علماء شیعه به آثار وی (ابن طاووس، ۱۴۱۲: ۱۸۵-۱۸۷)، هم چنین، برخورداری از کتابخانه ای عظیم و کم نظیر به طوری که ایقان گلبرگ- مستشرق و استاد بازنشسته دانشگاه اورشلیم- کتابی تحقیقی با عنوان کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او درباره آن نوشته است، گویای شأن علمی سید است.

درباره شأن معنوی سید نیز آیت الله حسن زاده آملی معتقد بود که: «سیدبن طاووس از افراد کَمَل بود» (نک: حسن زاده آملی، ۱۳۹۰: ۲۹۹). به تصریح میرزا جواد ملکی تبریزی، استادش عارف سالک ملا حسینقلی همدانی پیوسته درباره ابن طاووس می گفت:

در بین امت محمدی (ص) و از پیروان مکتب حضرات معصومین (ع)، کسی مانند سید جلیل القدر ابن طاووس- قدس الله سره العزیز- در علم مراقبه نیامده است (ملکی تبریزی، بی تا: ۱۲۴).

آیت الله بهجت، درباره سید معتقد است:

شاید سیدبن طاووس در تعبدیات و کرامات بر همه علما مقدم باشد. به نظر بنده، سیدبن طاووس در معنویات و تعبدیات اول اول است (ابن طاووس، ۱۳۹۵: ۸-۹).

۲-۲. رویکرد اجتماعی-سیاسی ابن طاووس

به نظر می رسد عامل، انگیزه و رویکرد دیگری که موجب شده است اثر دعایی سید با عظمت، فاخر و متمایز باشد، زمان شناسی و اطلاع از اوضاع اجتماعی زمانه ی خویش است.

آشفستگی وضعیت سیاسی اجتماعی آن زمان، یعنی زمان فروپاشی حکومت عباسیان و یورش مغولان که منجر به واژگونی حیات اجتماعی، بروز و ظهور فقر و فساد عمومی و انحطاط فکری و عقیدتی مسلمانان شده بود. «در کنار این وضعیت سیاسی اجتماعی که از تاریک ترین دوره های حیات فکری و

عقیدتی جهان اسلام است، اوضاع مذهبی و فرهنگی زمانه‌ی ابن طاووس مملو از برخوردهای تعصب‌آمیز بین فرقه‌های مختلف و گروه‌های کلامی و مذاهب فقهی بود. علاوه بر این تنازعات شدیدی بین شیعه و سنی وجود داشت، حتی فرقه‌های یک مذهب هم با یکدیگر متحد نبودند» (نک: سپهری، ۱۳۹۸: ۳۲۳-۳۲۵). در روزگار حیات ابن طاووس، حریم علوم عقلانی در هاله‌ای از سردرگمی و مملو از ناملايمات و نابسامانی‌های فکری و عقلی بوده است (ابن طاووس، ۱۴۱۲: ۶۸). شاید به دلیل همین شرایط زمانی، سید نسبت به رویکردهای کلامی و فلسفی صرف موضعی نسبتاً منتقدانه داشته است. «ویژگی بارز سید بن طاوس در بحث‌های معرفتی، تأکید بر عقل فطری و بدیهی و اصالت‌دادن به کتاب و سنت، در برابر اندیشه فلسفی و کلامی عقل‌گرا است. او هرچند عملاً از استدلال‌های کلامی - و گاهی فلسفی - استفاده کرده، اما با روش عقل استدلالی فلاسفه و متکلمین مخالف است؛ به این معنی که روش کلامی استدلالی را غیرضروری - هرچند معرفت‌بخش - می‌داند. استفاده او از این روش در برخی موارد، حاکی از آن است که ایشان با عقل و استدلال و فلسفه سر جنگ ندارد، بلکه با عقل‌گرایی افراطی و اعتماد به عقل ظنی - که روش معتزلی را از مصادیق آشکار آن می‌داند - مخالف است» (ربانی، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

علاوه بر تنش‌های سیاسی و مذهبی، اوضاع اجتماعی روزگار ابن طاووس نیز نابسامان بود. اختلافات و نزاع‌های خواص جامعه، انحطاط‌های فکری و اخلاقی عوام، یورش مغولان موجب شده بود، جامعه اسلامی امنیت نسبی خود را از دست بدهد و همان نظم و سامان حداقلی نیز از بین برود. علاوه بر ویرانی شهرها، کشت و کشتارها و غارت‌ها و تجاوزها، آشفتگی وضعیت فکری و فرهنگی و اخلاقی جامعه به‌شدت، تمدن اسلامی را در معرض تزلزل و تهدید قرار داده بود (نک: خسرویگی، ۱۳۹۳: ۱۳۰۱-۱۳۰۲).

۲-۱. زمان‌شناسی تطبیقی ابن طاووس در تألیف *تمتات مصباح المتهجد*

در یک تحلیل تاریخی به نظر می‌رسد ابن طاووس در شناخت زمانه‌ی خود، نوعی زمان‌شناسی تطبیقی داشت و در اتخاذ روش اصلاح اجتماعی، به الگوی امام سجاد(ع) در راهبری فرهنگی جامعه اقتدا نمود؛ یعنی علاوه بر جهاد علمی و جهاد فرهنگی، اهتمام ویژه بر بسط اخلاق الهی و فرهنگ مناجات با خدا را سرلوحه سیره علمی و مشی اجتماعی خود نمود.

چرا که طبق گزارش‌های تاریخی زمانه‌ی حیات مبارک امام سجاد (علیه السلام)، دوره انحطاط اخلاقی جامعه است. در برخی از گزارش‌های تاریخی تکان‌دهنده درباره انحطاط اخلاقی جامعه اسلامی

آمده است:

در زمان امویان، اوضاع به گونه‌ای شده بود که آلات لهو و لعب و موسیقی در دو شهر ام‌القریب اسلام، یعنی مکه و مدینه علنی شده بود و مردم در مجالس بزم بدون هیچ ابایی، آشکارا شراب‌خواری می‌کردند (مسعودی، ۱۳۷۴: ۳/ ۷۶). بزم‌های مختلط از زن و مرد در مدینه مرسوم بود (ضیف، ۱۹۷۶: ۵۰). در جامعه آن روز شهر مدینه، دیگر عالمان و عابدان نه تنها به خوانندگی آواز اعتراض نداشتند، بلکه آن را زشت هم نمی‌دانستند. این وضعیت تا آنجا پیش رفت که از سرتاسر شهر وحی، این صدای خوانندگان آواز بود که بیشتر به گوش می‌رسید. یزید بن عبدالملک، خلیفه اموی، کنیز آوازخوان مشهور مدینه را با بیست هزار دینار خرید. مردم مدینه هنگام عزیمت وی به شام به دنبال او گریه و زاری می‌کردند.

روزی آوازه‌خوان مشهوری به نام دحمان، نزد قاضی مدینه آمد و در خصوص اختلاف بین یک حجازی و یک عراقی به نفع هم‌شهری خود، یعنی فرد حجازی شهادت داد. قاضی نیز شهادت وی را پذیرفت و علیه فرد عراقی حکم صادر کرد. عراقی به قاضی چنین اعتراض کرد:

این دحمانِ مُطرب است.

قاضی گفت: من او را به‌خوبی می‌شناسم که شهادتش را قبول کردم! عراقی در ادامه اعتراض خود گفت: ای قاضی! چگونه شهادت کسی را قبول می‌کنی که نه تنها خودش آوازه‌خوان و اهل غنا است، حتی به کنیزان هم چنین چیزهایی را می‌آموزد؟!

قاضی گفت: خدا تو را بیامرزد! آخر کدام یک از ما اهل غنا و طرب نیست؟! برو و بیشتر از این بحث نکن! (اصفهانی، ۱۴۱۵: ۸/ ۳۵۸).

هنگامی که وضعیت اجتماعی و اخلاقی مدینه النبی (ص)، یعنی مرکز بنیان‌گذاری حکومت اسلامی چنین باشد، دیگر به‌راحتی می‌توان وضعیت فرهنگی آشفته و پریشان سایر بلاد نظیر شام، بصره، کوفه را تحلیل کرد. این دوران، دوران پسا‌عاشورا و مصادف با دوران امامت امام سجاد (ع) است و آن حضرت برای انجام رسالت الهی خویش، یعنی نشر معارف قرآن و سنت و هم‌چنین انسان‌سازی و جامعه‌پردازی، به

بسط و گسترش فرهنگ دعا و مناجات و معنویات در جامعه روی آورد. در حقیقت، «حضرت زین‌العابدین(ع) دعا را پایه مبارزه و جهاد فرهنگی سیاسی خویش با وضعیت ناگوار جامعه اسلامی قرار داد» (نک: گروه مؤلفان، ۱۴۲۷: ۶ / ۲۸۱-۲۸۳).

توجه ابن طاووس به نگارش و تدوین معجم دعایی «مهمات فی صلاح المتعبد و تتمات لمصباح المتجهد»، نوعی استمرار روزآمد نهضت معنوی امام سجاد(ع) در راهبری فرهنگی جامعه بود. در واقع، نگارش این مجموعه فاخر و گران‌بها در آن شرایط زمانی، اقدامی راهبردی با این رویکرد زمان‌شناسانه قلمداد می‌شود که سهم به‌سزایی در استمرار و ماندگاری فرهنگ ناب شیعی ایفا نمود؛ زیرا، او در این رویکرد زمان‌شناسانه که از مصادیق حدیث «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَائِسُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵ / ۲۶۹) بود، توانست با اثر فاخر تتمات مصباح المتجهد خود و هم‌چنین، سایر آثار ارزشمندش به احیای بنیان‌ها و اصول اصیل تشیع در جامعه بحران‌زده آن مقطع زمانی بپردازد و در مقابل فرهنگ منحط خلافت و توحش مغولان، فرهنگ ریشه‌دار اهل بیت (علیهم السلام) را ترویج نماید و با بسط و گسترش فرهنگ دعا و مناجات و معنویات، حیرت‌زدگان و سرخورده‌گان جامعه‌ی آن روز را با عمق معارف ناب و حیانی آشنا سازد. «ابن طاووس حقیقتاً با نهضتی که در ادبیات دعایی شیعه برپا کرد توانست اندیشه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نهفته در مکتب تشیع را بارور نماید و این اقدام در واقع زیرساخت تشکیل حکومت‌های شیعی در قرون آتی بود» (خسرویگی، ۱۳۹۳: ۱۳۰۴).

وی زبان دعا را برای مواجهه با دوران خود برگزید و با بصیرتی نافذ، هوشمندانه دریافت، زبان دعا می‌تواند سلاحی برای مبارزه با پریشانی‌ها و سردرگمی‌های آن روزگار باشد و از این رو به تأسیس مکتب دعایی روی آورد. چرا که از آموزه‌های مهم سیره عملی ائمه اطهار(ع) به‌ویژه، امام زین‌العابدین(ع) این است که برای تبلیغ و ترویج فرهنگ شیعی در فضاهای بسته و اختناق، زبان دعا یکی از کارآمدترین روش‌ها محسوب می‌شود؛ هم‌چنان که در روایات دعا، سلاح انبیاء (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۰ / ۲۹۵) و سلاح مؤمن (همان: ۲۸۸) معرفی شده است.

۲-۲-۲. اوضاع سیاسی اجتماعی زمانه‌ی ابن طاووس

دوران سیاسی اجتماعی حیات ابن طاووس به دو دوره تقسیم می‌شود. دوره‌ی اول، از سال ۵۸۹ ه.ق (سال تولد) تا سال ۶۵۶ ه.ق که خلافت عباسیان توسط مغول فرو پاشید و حدود ۶۷ سال طول کشید. دومین دوره هم از سال ۶۵۶ تا ۶۶۴ ه.ق حدود هشت سال، هم‌زمان با حکومت ایلخانان بود.

آن مقطع از تاریخ اسلام، دوران پرتلاطم انتقال قدرت از عباسیان به ایلخانان، دورانی است که «اوضاع سیاسی و اجتماعی جهان اسلام به شدت درگیر حوادث گوناگون، اعم از ضعف قدرت حکومت مرکزی، حمله همسایگان و بروز و ظهور جنگ‌های متعدد با خوارزمشاهیان در شرق و جنگ‌های صلیبی در غرب (۴۹۰-۶۹۰ ق)، وقوع قیام‌های داخلی و اعلام خودمختاری‌ها، از بین رفتن امنیت، بالاگرفتن اختلافات، نزاع‌ها و برخوردهای تعصب‌آمیز بین گروه‌ها و فرقه‌های مختلف کلامی و فقهی و به تبع آن نامالیقات و نابسامانی‌های فکری و عقلی در جامعه است» (نک: سپهری، ۱۳۹۸: ۳۲۳-۳۲۵)، و ابن طاووس در این عصر پرنج و مرارت، سختی‌های بسیار زیادی را متحمل شده است. علاوه بر این‌ها، «حملات بنیان‌افکن مغولان، امت اسلام را در اندوهی عظیم فرو برد. تهاجم، تاراج و تسلط مغولان بر جهان اسلام، چنان ابعاد دردناکی داشت که مورخان بسیاری همچون جوینی، رشیدالدین فضل‌الله، ابن‌اثیر، مستوفی تعریفی از آن جز کشتار و ویرانی و تخریب ارائه نمی‌دهند. این شرایط ترسیم اجمالی از اوضاع روزگاری بود که ابن طاووس، عمرش را در آن سپری کرد» (نک: بیات، ۱۳۹۷: ۱۹۲-۱۹۴).

دومین دوره‌ی حیات ابن طاووس که هشت سال پایانی عمر وی است، هم‌زمان با حکمرانی ایلخانان مغول بود. «بحران‌های فکری و فرهنگی را می‌توان از مهم‌ترین شاخصه‌های تهاجم ویرانگر مغولان به قلمرو خلافت دانست» (رحمتی، ۱۳۹۶: ۴۹).

مقارن با جایگزینی حاکمیت ایلخانان و به‌علت گرایش‌های مذهبی آن‌ها به دین بودا و مسیحیت، معابد زیادی به وسیله ایلخانان مغول در ایران ساخته شد. آئین مسیحیت نیز به واسطه دو بانوی متنفذ مسیحی دربار -مادر و همسر هولاکو- نفوذ زیادی یافت و آن‌ها در این دوره کلیساهای متعددی بنا کردند (نک: همدانی، ۱۳۳۸: ۲ / ۷۶۸). در این زمان تصوف نیز رونق یافت (جوینی، ۱۳۸۵: ۱۵-۱۶) و همین امر نیز بر انحطاط اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی مسلمانان تأثیرات منفی خود را گذاشت.

۲-۲-۳. مشی سیاسی اجتماعی ابن طاووس

در اواخر خلافت عباسی به دلیل این‌که شیعیان دارای قدرت نسبی و پایگاه اجتماعی بودند، خلفاء مجبور بودند مواجهه متفاوتی با آن‌ها داشته باشند و به‌همین جهت در این دوره، شیعیان به بعضی از سمت‌های حکومتی رسیدند (نک: امین، ۱۴۲۳: ۷ / ۲).

ابن طاووس اما در دوران عباسیان پیشنهادهای تصدی امور حکومتی را نمی‌پذیرفت (ابن طاووس، ۱۴۱۲: ۱۶۸-۱۶۹). شاید این تشخیص ابن طاووس در مواجهه با حاکمیت بنی‌عباس، علاوه بر روحیه

وارستگی سید که زبانزد فریقین است، به دلیل حکم الهی حرمت اعانت طاغوت (نک: نراقی، ۱۳۷۸: ۴۴۱-۴۴۲) و هم‌چنین، واجب کفایی بودن حضور و نفوذ در دستگاه ظلم برای انقراض مؤمنین باشد (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰/۷۵).

اما هنگامی که در سال ۶۶۱ ق (سه سال قبل از وفات ابن طاووس) هلاکو منصب نقابت سادات را به او پیشنهاد کرد، این منصب را به اکراه و اجبار و البته اصرار سایر علماء شیعه پذیرفت و نقیب‌التُّبَّاء بالعراق شد (زیبیدی، ۱۴۱۴: ۸/۳۴۷). به نظر می‌رسد، سید این منصب بسیار مهم اجتماعی را که شامل سرپرستی جامعه سادات و شیعیان، رتق و فتق امور ایشان، رسیدگی به وضعیت اقشار مختلف جامعه به‌خصوص اقشار ضعیف، قضاوت، مرجعیت و... بود؛ صرفاً به‌منظور صیانت از جان شیعیان و بقای جامعه شیعی که در معرض تهدید جدی غارت و قتل مغولان قرار گرفته بود، پذیرفته است.

سید در کتاب اقبال الاعمال، ذیل اعمال ماه ربیع الاول، در روز سیزدهم این ماه جریانی را یادآور می‌شود که می‌تواند یکی از دلایل وی در قبول منصب نقابت باشد. وی می‌نویسد:

در این قسمت، فضیلت و عنایتی الهی را که شامل حالم شده است، یادآور می‌شوم. من در حدیثی از امام صادق (ع) در کتاب الملاحم دیدم که: «مردی از اهل بیت پیامبر (ص) بعد از زوال سلطنت بنی‌عباس ظهور خواهد کرد که مردم را به تقوا راهنمایی می‌نماید و بر اساس هدایت الهی عمل می‌کند و در دادرسی‌ها رشوه نمی‌گیرد. به‌خدا سوگند، من او را می‌شناسم و نام و نام پدرش را می‌دانم».

با توجه به این که بعد از سرنگونی سلطنت عباسیان، نه دیده و نه شنیده شده است که مردی از اهل بیت در جامعه پیدا شود که بر اساس هدایت الهی مردم را به تقوا راهنمایی نماید، مبتنی بر فرامین الهی عمل کند و در قضاوت‌ها رشوه نگیرد؛ در حالی که، خداوند این تفضل را ظاهراً و باطناً به ما عنایت فرموده است. از این رو، احتمال قوی دادم، بلکه قطعاً فهمیدم که این روایت اشاره به ما و انعام خدا بر ماست... امیدوارم که خداوند متعال به لطف و رحمت خود مرا مورد عنایت ویژه خود قرار داده باشد و نام مرا در کتب پیشین بر زبان مبارک امام صادق (ع) رانده باشد؛ زیرا، ما پیش از عهده‌دار شدن منصب نقابت علوین، در اوصافی که حضرت به آن اشاره فرموده است، مراقبت و تلاش داشتم و بعد از عهده‌دار شدن

این منصب بر این تلاش افزوده‌ام و چه قبلاً و چه اکنون، بر اساس تقوا و عدم رشوه‌خواری با علویان تعامل و رفتار کرده‌ام. بحمدالله این سیره و روش ما بر کسی از آشنایان پوشیده نیست و از طرفی، برای هیچ‌کس از وابستگان به اهل بیت (ع)، چنین دولت فراگیری وجود نداشته است... علاوه بر این، بشارات‌هایی نیز در کتاب البشارات فی الملاحم یادآور شده‌ام که از آن‌ها نیز می‌توان چنین استفاده کرد که منظور از مراحم و مواهبی که در روایت بیان شده است، ماهستیم (نک: ابن طاووس، ۱۳۶۷: ۲/ ۶۰۰).

ابن طاووس در این اوضاع که در آستانه سقوط بغداد توسط مغولان پیش آمده بود، نقش‌آفرینی مؤثری داشت و برای سامان‌دهی اوضاع مردم از هیچ خدمتی فروگذار نبود. از اقدامات مهم وی که سبب نجات جمع کثیری از هلاکت شد این بود که وقتی هولاکو بر بغداد مسلط شد، تمامی دانشمندان به نام آن عصر را فرا خواند و آن‌ها را در «مستنصریه» بزرگ‌ترین مرکز علمی و آموزشی آن زمان، جمع کرد تا به پرسشی مهم پاسخ دهند. آن پرسش مهم عبارت بود از ای‌نکه «آیا پادشاه کافر عادل بهتر است یا پادشاه مسلمان جائز؟» دانشمندان در مقابل این سؤال همه به تحیر افتادند و نمی‌دانستند چه در جواب بنویسند، زیرا به شدت از تبعات آن هراس داشتند. اما ابن طاووس که در مجلس حاضر بود روی کاغذ نوشت: «الکافر العادل أفضل من المسلم الجائر»، و همه علما به این فتوای سید اعتماد و تأسی کردند و به خط خود ذیل ورقه را امضا نمودند و بدین وسیله جمع کثیری از هلاکت نجات یافتند. هولاکو خان از این پاسخ سید بسیار خرسند شد و پس از این ماجرا بود که امان‌نامه‌ای را به ابن طاووس تقدیم کرد (نک: ابن طاووس، ۱۴۱۸: ۱/ ۸؛ گلبرگ، ۱۳۷۱: ۲۹-۳۰؛ ابن طاووس، ۱۳۶۹: ۶). وی که به دنبال راه‌کاری برای خارج کردن مؤمنان از پایتخت پرتلاطم و جنگ‌زده بود، از این فرصت نهایت بهره‌برداری را انجام داد و توانست بالغ بر سیصد هزار نفر را با حمایت سربازان هولاکو، نجات بدهد و به حله برساند (نک: قمی، ۱۳۸۹: ۱۷۲) و خود در اولین فرصت، به پایتخت بازگشت تا بتواند با حضور در متن جامعه و صحنه اصلی رویدادها، خدمت بیشتری به جامعه آشفته و به شدت نیازمند آن مقطع تاریخی برساند (نک: جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۲: ۱/ ۱۲۱).

این اقدام ابن طاووس را می‌توان یکی از نمونه‌های بارز تاریخی و نقاط عطف درخشان در بصیرت عالمان شیعه و قدرت تحلیل و فهم شرایط و موقعیت در سیاست‌ورزی قلمداد نمود.

از دیگر نمونه‌های بارز هوشمندی و بصیرت عالمان آن عصر، نقل معروف علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶

ق) از آن مقطع حساس تاریخی است:

پدرم (یوسف بن مطهر حلی) فرمود: دلیل مصونیت اهالی شهرهای حله، کوفه، نجف و کربلا از قتل عام مغولان، روایتی از امیرالمؤمنین (ع) در خصوص پیشگویی آن حضرت درباره عاقبت حاکمیت بنی عباس و فروپاشی سلطنت آن‌ها توسط مغول‌ها بود. پدرم خاطرنشان کرد: هنگامی که هلاکوخان به بغداد حمله کرد و این شهر در آستانه سقوط قرار گرفت، من به همراه جناب مجدالدین سیدبن طاووس و یکی دیگر از عالمان شیعه، به این نتیجه رسیدیم که برای نجات جان مردم به هلاکو نامه‌ای بنویسیم و تسلیم‌بودن خود را به وی اعلام کنیم. هلاکو با رؤیت نامه، ما را فراخواند. من به نمایندگی و به تنهایی نزد هلاکو رفتم. هلاکو به پدرم گفته بود: چگونه برای من چنین نامه‌ای نوشتید؟ در حالی که، من هنوز بغداد را فتح نکرده‌ام و خلیفه‌تان هنوز زنده و بر مسند قدرت است. فکر نکردی اگر من در این جنگ مغلوب شوم یا با او صلح کنم و برگردم، شما چگونه از گزند خلیفه در امان خواهید بود؟

پدرم در پاسخ هلاکو، وی را از فرمایش امیرالمؤمنین (ع) آگاه کرد. این که ایشان در خطبه‌ای، وضعیت امروز بنی‌العباس و غلبه شما بر آنان را پیشگویی فرموده است. پدر علامه حلی، خطبه معروف حضرت را با مطلع «الزُّوْرَاءُ وَ مَا أَدْرَاكُ مَا الزُّوْرَاءُ» (نک: حلی، ۱۴۱۱: ۸۱-۸۲)، برای هلاکو نقل کرد و در پایان به او گفت: چون نشانه‌های این بیان امام و مقتدای خود را در تو دیدیم و یافتیم، چنین نامه‌ای برایت نوشتیم و نزدت آمدیم. هلاکوخان نیز سخنان پدرم را پسندید و برای ایشان امان‌نامه‌ای صادر کرد و اهالی حله و سایر شهرها را، اطمینان به امنیت داد (نک: محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۱۲/۱۱۳).

در مجموع، نوع مواجهه هوشمندانه علمای شیعه به‌ویژه، خواجه نصیرالدین طوسی و ابن طاووس، منجر به این شد که در استمرار این رویکرد اجتماعی و سیاسی، علامه حلی بتواند سبب تشیع سلطان محمد الجایتو پادشاه مغولی ایران (مدفون در سلطانیه) شود (تهرانی، ۱۳۷۶: ۲۵).

۳. بررسی و نقد برخی نسبت‌ها به سیدبن طاووس

۳-۱. نقد نسبت جامعه‌گریزی و انزوای سیاسی اجتماعی به ابن طاووس

با توجه به این که ابن طاووس بعد از آمدن مغول‌ها و در زمان فتح بغداد، نقش ممتازی در نجات مسلمانان ایفا کرده بود و این امر عظیم، تنها با حضور مؤثر و محوری در متن و بطن تحولات سیاسی جامعه و فعالیت‌های اجتماعی گسترده امکان‌پذیر بود؛ از این رو به نظر می‌رسد وی به‌هیچ وجه، انزواگرا نبوده است. از این رو با عنایت به روحیه التزام کامل وی به دستورات اسلام به‌ویژه، اهمیت خدمت به خلق در تعالیم اسلامی و هم‌چنین، سیره‌ی عمل به تکلیف الهی در علماء اسلامی، تحلیل برخی که او را فردی انزواطلب معرفی کرده‌اند (نک: صادقی کاشانی، ۱۳۹۴: ۲۵) و در مقابل گوشه‌گیری و دوری وی از سیاست و اجتماع، خواجه نصیر طوسی را مرد سیاست و جمع‌گرا دانسته‌اند و این که یکی از مستشرقین به نام استروثمن گفته است: «ابن طاووس شخصیتی متواضع، گمنام و تجسم جریان تسلیم و سکوت شیعه است که زندگی بی‌حادثه و انزواگرایانه‌ای داشته است» (کُلبِرگ: ۱۳۷۱: ۴۰)، تحلیل صحیحی نیست و مطالعه و بررسی دقیق سیره سیاست‌ورزی ابن طاووس، گویای شناخت سیاسی، زمان‌شناسی، بصیرت و پای‌بندی وی به کنش‌گری اجتماعی و سیاسی فعال در رویدادها و حوادث است.

۳-۲. نقد نسبت تصوف به ابن طاووس

در خصوص اتهام و نسبت ناروای تصوف به سیدبن طاووس نیز، باید خاطر نشان کرد:

۱. برخی از عالمان نظیر قاضی نورالله شوشتری و علامه مجلسی در تذکره برخی از علمای سلف به ایشان لقب صوفی داده‌اند (نک: امین‌عاملی، ۱۴۰۳: ۳ / ۱۴۷). این گونه نسبت‌ها ناشی از این است که اولاً در میان شاگردان ایشان، بعضاً کسانی یافت می‌شدند که به تصوف گرایش داشتند. ثانیاً، علامه مجلسی دانشمندانی نظیر ابن طاووس را از صوفیان غیرمذموم می‌داند و از دلایل خود بر این مطلب به این نکته استناد کرده است که عبدالرحمن جامی در نفعات الانس، در موضوع شرح زندگی صوفیان از سده‌های نخستین تا زمان خود، از ابن طاووس اسم نبرده است (نک: جعفریان، ۱۳۶۹: ۱۲۲-۱۲۳). بنابراین، می‌توان گفت، دلیل صوفی نامیدن بزرگانی مثل ابن طاووس، تفکیک‌ندادن میان اصطلاح زهد و تصوف است. علامه مجلسی هم‌چنین، معتقد است که از فرهیختگانی مانند ابن طاووس که هم‌زمان با طی مراتب علمی، اهل سیر و سلوک معنوی برابر با شریعت اسلام و طریقت نبوی (ص) بوده‌اند، بدعتی

گزارش نشده است (نک: کرباسی زاده، ۱۳۹۰: ۹۳ - ۱۰۱).

هم چنین، رحمت‌علیشاه نعمت‌اللهی شیرازی - از اقطاب صوفیه - در کتاب طرائق الحقائق که آن را در احوال مشایخ صوفیه نوشته است، ابن طاووس و برادرش أحمد و فرزندش عبدالکریم و ابن فهده و شهید و مجلسی اول و دوم و غیر ایشان را از صوفیه شمرده است. آقابزرگ تهرانی در مورد این انتساب می‌گوید: این مطلب امر بسیار عجیب و شگفتی است که از ایشان سر زده است؛ زیرا، تصوفی که به این بزرگان مثل ابن فهده و ابن طاووس و خواجه نصیرالدین و شهید ثانی و بهائی و غیرهم نسبت داده می‌شود، چیزی جز انقطاع به سوی خالق جل شأنه و زهد در دنیا و استغراق در حب خداوند تعالی و أشباح آن چیز نیست و آن تصوفی نیست که به بعضی از صوفیه نسبت داده می‌شود که به فساد اعتقاد مانند قول به حلول و وحدت وجود و شبه آن معتقدند یا اعمال مخالف شرع فاسدی که بسیاری از ایشان در مقام ریاضت یا عبادت و غیر آن مرتکب آن‌ها می‌شوند (تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۵ / ۵۷).

۲. سید کتابی دارد به نام الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف. وی در نگارش این کتاب با ماهیت مناظره‌ای و ردیه‌نویسی بر عقاید فرق انحرافی، روشی ابتکاری ابداع نموده و در سبکی داستانی، خود را انسانی تازه‌مسلمان فرض کرده که بعد از گرایش به اسلام، شاهد اختلافات و فرقه‌های متکثر و متعددی در جامعه اسلامی بوده است. از این رو، تصمیم می‌گیرد تا با جست‌وجو و تفحص در منابع متقن و معتبر دینی، اسلام حقیقی را بیابد. جالب آن که سید از همان ابتدای امر، با اشاره به این نکته که شیعیان به شرک و رفض و غلو متهم گشته‌اند، برای جست‌وجوی حقیقت، تنها به منابعی مراجعه خواهد کرد که نزد اهل سنت معتبر است. وی بعد از کنکاش بسیار، درمی‌یابد که یکی از مذاهب اسلامی به نام تشیع، بیشترین موافقت را با عقل و نقل معتبر داشته است و در نهایت به این مذهب گرایش پیدا می‌کند. در واقع، ابن طاووس در این کتاب توانسته است با روش قرآنی جدال احسن، بر مخالفان شیعه با استفاده از معتقدات خودشان، اتمام حجت نماید (نک: ابن طاووس، ۱۳۷۴: ۳۷). به همین جهت، ابن طاووس در این کتاب از برخی فرقه‌ها نقل می‌کند که تمام علوم و معارف به علی بن ابی‌طالب (ع) می‌رسد و در این میان صوفیه را نیز نام می‌برد. برخی از این مطلب، تصور کرده‌اند که عقیده شخص ابن طاووس است، غافل از این که بیان وی، احتجاج علیه خصم با استفاده از سخنانی است که خودش قبول دارد. این شیوه از استدلال از روش‌های متعارف در اثبات حقایق است و قرآن کریم این شیوه را در سیره توحیدی حضرت ابراهیم (ع) بیان فرموده است (نک: انعام: ۷۵ - ۷۹).

۳. برخی به استناد این که ابن طاووس، اهل انشاء دعا است، درباره ذیل دعای عرفه امام حسین (ع) از

جمله «**إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ**» تا آخر که در اقبال الاعمال ذکر شده است (ابن طاووس، ۱۳۶۷: ۱/ ۳۴۸-۳۵۰)، ولی در نقل بلد الامین کفعمی وجود ندارد. احتمال داده‌اند که این فقره، از انشآت ابن طاووس است (نک: خوش‌فر، ۱۳۹۱: ۱۰۷). اما این سخن درست نیست؛ چرا که «شمار دعا‌های انشائی سید اندک و مشخص است و شیوه معروف او در تألیفاتش مانند، الأمان من الاخطار، مهج الدعوات، الدرود الواقیه و... و از جمله اقبال الاعمال این است که هنگامی می‌خواهد دعای انشایی خود را ذکر کند، به آن تصریح می‌کند» (نک: نوری، ۱۴۰۸: ۲ / ۴۵۶ ۴۵۱) از این رو انشآت او با دیگر دعاها اشتباه نمی‌شود.

در مورد همین بخش از دعای عرفه تشکیک‌هایی با این بیان مطرح شده است که اولاً ابن طاووس خود در مصباح الزائر، دعای عرفه را بدون همین ذیل آورده است. ثانیاً، مضمون این فقره هم با سیاق سایر ادعیه مأثوره معصومین (ع)، سازگاری نداشته و بیشتر با مذاق متصوفه هم‌خوانی دارد. از همین روی، این قسمت می‌تواند از افزوده‌های صوفی‌ها باشد (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۷ / ۹۵). در حالی که با توجه به قوت متن، می‌توان به صدور این قسمت از ناحیه امام (ع)، اطمینان پیدا کرد. علامه طباطبایی در تأیید صدور این قسمت، به استناد قوت متن معتقد است: «کیست که بتواند این گونه حقایق را بیان کند؟ کسانی که عمری در مسائل فلسفی و عرفانی تلاش کرده‌اند، قادر به ابراز چنین بیاناتی نیستند، چگونه این عبارت را ساخته و پرداخته مشایخ صوفیه می‌دانند؟!» این سخن نیز که «این قسمت از دعا، با سیاق دیگر ادعیه معصومان (ع) هماهنگ نیست» در مقایسه با ادعیه‌ای مثل مناجات شعبانیه، صدق نمی‌کند (نک: محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۷: ۱ / ۵۴۷).

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج و دست‌آوردهای این پژوهش عبارت است از:

مجموعه دعایی «مهمات فی صلاح المتعبد و تتمات لمصباح المتعبد» را به دلیل شخصیت علمی و معنوی مؤلف بزرگ آن، محتوای جامع و معتبر، تقدم زمانی نگارش و تأثیرگذاری آن بر تمام کتب ادعیه پس از خود، می‌توان اثر محوری و شاخص در موضوع ادعیه و زیارات در مکتب تشیع دانست. نگارش کتاب تتمات مصباح المتعبد، نشان‌دهنده‌ی زمان‌شناسی و بصیرت نافذ ابن طاووس در تشخیص تکلیف است؛ چرا که انتخاب فرهنگ دعا به‌عنوان یکی از کارآمدترین روش‌های اصلاح فرهنگی و اجتماعی، اقدامی راهبردی و نوعی الگوبرداری روزآمد از جهاد فرهنگی امام سجاد (ع) با

انحطاط‌های اخلاقی جامعه پسا‌عاشورا بود.

مشى سياسى اجتماعى ابن طاووس در مقطع حساس انتقال قدرت از عباسيان به ايلخانان، موجب نقش آفرينى سرنوشت‌ساز و تاريخى وى در صيانت از مکتب و امت مسلمان شد. نوع مواجهه هوشمندانه عالمان طرازاولى مانند ابن طاووس با تحولات سياسى زمانه، موجب تثبيت و تعميق مکتب تشيع شد. از اين رو، هرگونه نسبت انزواطلبى و صوفى‌گرى به ابن طاووس ناروا و منتفى است.

فهرست منابع

کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۶۷)، *الإقبال الأعمال*. ترجمه: محمد آخوندی، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- _____ (۱۴۱۸ ق)، *الإقبال بالأعمال*. تحقيق: جواد قیومی اصفهانی، چاپ دوم، قم، مکتب الاعلام الإسلامی، مرکز النشر.
- _____ (۱۳۹۵)، *اقبال الأعمال*. ترجمه: محمد روحی، چاپ دوازدهم، قم: سماء قلم.
- _____ (۱۳۶۹)، *برنامه سعادت*. ترجمه: سید محمد باقر شهیدی گلپایگانی، چاپ چهارم، تهران: مرتضوی.
- _____ (۱۳۷۱)، *جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع*. به کوشش جواد قیومی، چاپ اول، بی‌جا: مؤسسه الآفاق.
- _____ (۱۳۷۴)، *الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف*. ترجمه داود الهامی، چاپ دوم، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
- _____ (۱۴۰۶ ق)، *فلاح السائل*. چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۴۱۲ ق)، *کشف المحجة لثمره المهجة*. محقق: محمد حسون، چاپ دوم، قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی.
- احمدی، مهدی. (۱۳۸۹)، *تاریخ حدیث شیعه در سده های چهارم تا هفتم هجری*. چاپ اول، قم: موسسه علمى فرهنگى دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین. (۱۴۱۵ ق)، *الأغانی*. چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- امین، حسن. (۱۴۲۳ ق)، *دائرة المعارف الإسلامية الشيعية*. چاپ ششم، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- امین عاملی، محسن. (۱۴۰۳ ق)، *أعیان الشیعة*. محقق: حسن امین، چاپ اول، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- تهرانی، آقابزرگ. (۱۴۰۳ ق)، *الذریعة إلى تصانیف الشیعه*. چاپ سوم، بیروت: دارالأضواء.
- تهرانی، میرزا ابوالفضل. (۱۳۷۶)، *شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور*. توضیحات پاورقی: سید ابراهیم شبیری، چاپ اول، تهران: مرتضوی.

- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم. (۱۳۸۲)، **گلشن ابرار**. زیر نظر پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، قم: معروف.
- جوینی، عظاملک. (۱۳۸۵)، **تاریخ جهانگشای**. تصحیح: محمد قزوینی، تهران: نگاه.
- حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۹۰)، **در آسمان معرفت**. تحقیق و تنظیم: محمد بدیعی، چاپ نهم، قم: تشیع.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۱ ق)، **کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین (ع)**. محقق و مصحح: حسین درگاهی، چاپ اول، تهران: وزارت ارشاد.
- زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ ق)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، محقق و مصحح: هلالی علی و سیری علی، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- صادقی کاشانی، مصطفی. (۱۳۹۴)، **تاریخ نگاری ابن طاووس**. چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ضیف، شوقی. (۱۹۷۶ م)، **الشعر و الغنا فی المدینة و مکه لعصر بنی امیه**. چاپ اول، قاهره: دارالمعارف بمصر.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ ق)، **مصباح المتهدد و سلاح المتعبد**. چاپ اول، بیروت: مؤسسة فقه الشیعة.
- عبدالحی، امیر. (۱۳۸۵)، **فعالیت علمی و فرهنگی علمای شیعه در عصر پهلوی**. چاپ اول، بی جا: دفتر عقل.
- قمی، عباس. (۱۳۸۹)، **فیض العلام فی عمل الشهور و وقایع الایام**. چاپ اول، قم: نور مطاف.
- کرمی، میثم. (۱۳۸۹)، **غزالی شناسی**، چاپ اول، تهران: حکمت.
- کلبرگ، ایتان. (۱۳۷۱)، **کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او**. مترجم: رسول جعفریان، علی قرایی، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- گروه مؤلفان. (۱۴۲۷ ق)، **پیشوایان هدایت**. چاپ اول، قم: مجمع العالمی لاهل البیت (ع).
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ ق)، **بحار الانوار**. چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۹)، **دانش نامه امیر المؤمنین (ع) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ**، چاپ سوم به اهتمام: محمود طباطبایی نژاد و روح الله سید طبایبی، مترجم: عبدالهادی مسعودی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- _____ (۱۳۸۷)، **حکمت نامه امام حسین (ع)**. مترجم: عبدالهادی مسعودی، چاپ دوم، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۷۴)، **مروج الذهب و معادن الجواهر**. ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ملکی تبریزی، میرزا جواد. (بی تا)، **المواقبات**، چاپ اول، بی جا: مؤسسه دارالاعتصام، بی تا.
- نراقی، احمد. (۱۳۷۸)، **معراج السعادة**، چاپ اول، قم: هجرت.
- نوری، حسین. (۱۴۰۸ ق)، **الخاتمة لمستدرک الوسائل**. محقق و مصحح: مؤسسة آل البیت (ع)، چاپ اول، قم: مؤسسة آل البیت (ع).
- همدانی، رشیدالدین فضل الله. (۱۳۳۸)، **جامع التواریخ**. تصحیح بهمن کریمی، چاپ اول، تهران: اقبال.

مقالات

- باقری، حمید. (۱۳۸۶)، «سیر تطور آثار دعایی شیعه». نشریه مطالعات تاریخی قرآن و حدیث (تا شماره ۵۹ با نام «صحیفه

- مبین» منتشر شده است)، ۴۱، ۵۹-۹۰.
- بیات، حسین علی و یوسفی، جمیله. (۱۳۹۷)، «تحلیل انتقادی روایت‌های سقوط بغداد به دست مغولان». تاریخ اسلام ۷۲، ۱۹۱-۲۲۲.
- جعفریان، رسول. (۱۳۶۹)، «رویاری فقیهان و صوفیان در عصر صفویان»، کیهان اندیشه، ۳۳، ۱۰۱-۱۲۷.
- خسرویگی، هوشنگ و محمدی، فاطمه. (۱۳۹۳) «نقش سیدین طاووس در گسترش و تعمیق ادبیات دعایی تشیع». مجموعه مقالات کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۲۹۶-۱۳۱۴.
- خوش‌فر، محسن. (۱۳۹۱)، «اندیشه‌های حدیثی سیدین طاووس». حدیث اندیشه ۱۳، ۹۷-۱۱۸.
- ربانی گلپایگانی، علی و محمد توکلی (۱۳۹۴)، «روش‌شناسی کلامی سیدین طاووس». فصل‌نامه علمی پژوهشی کلام اسلامی ۹۴، ۱۱۳-۱۳۳.
- رحمتی، محسن و زینب بیرانوند. (۱۳۹۶)، «نقش سیدین طاووس در رشد فرهنگی و اجتماعی شیعیان». فصل‌نامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، ۶۹، ۳۳-۵۸.
- سپهری، محمد؛ عودی، ستار و هاشمی‌نیا، سیدمحمد رضا. (۱۳۹۸)، «زمینه اجتماعی سقوط بغداد و انقراض خلافت عباسی». تحقیقات تاریخ اجتماعی ۱۸، ۳۱۹-۳۴۰.
- کرباسی‌زاده، علی. (۱۳۹۰)، «ریشه‌ها و مبانی مکتب اخلاقی - عرفانی تشیع در اندیشه و آثار مجلسی اول»، تاریخ فلسفه ۶، ۶۵-۱۰۸.

